



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۱۳

نویسنده: ن . جلیل زاد

معارف, محراب بزرگترین عبادت

اگر بخواهیم روح امان الله را در یک کلمه بیابیم، آن کلمه «معارف» است .
 او می دانست که تفنگ، تخت و طلا هرگز جای دانش را نمی گیرند .
 بزرگ ترین مدال افتخار دوره او نه مدال نظامی، بلکه مدال معارف بود ، با نشانه دوات و کتاب و خوشه گندم.
 در تاریخ پرفراز و نشیب افغانستان، نامهایی هستند که با گذشت زمان نه تنها کمرنگ نمی شوند، بلکه درخشانتر می گردند .
 امان الله خان یکی از آن ستاره های تابناکی است که افق تاریخ جهل و استبداد را با نور معارف و آزادی شکافت .
 او می دانست که ملتی که نمی خواند، نمی اندیشد .
 ملتی که نمی اندیشد، نمی تواند سرنوشت خود را به دست گیرد .
 از همین رو، معارف در نگاه امان الله نه یک وزارت، بلکه یک رسالت مقدس بود ، بزرگ ترین عبادتی که یک رهبر می تواند در برابر وطن خود ادا کند.
 دوات و کتاب، برتر از شمشیر
 در روزگاری که پادشاهان به مدال های نظامی می بالیدند و قدرت را در لوله تفنگ می جستند، امان الله خان مدالی ساخت که نشانه اش دوات، کتاب و خوشه گندم بود .
 این سه نماد، فلسفه حکومت او را در خود داشتند:
 دوات ، نماد دانش و قلم، چون قلم است که ملت ها را می سازد.
 کتاب ، نماد روشنایی، چون کتاب است که جهل را می سوزاند.
 خوشه گندم ، نماد رفاه، چون دانش بدون نان، و نان بدون دانش، هر دو ناقص اند.
 این پیام ساده اما عمیق بود: افتخار یک ملت در علم اوست، نه در جنگ او.
 استقلال بدون معارف، قفسی زرین است .
 امان الله در سال ۱۲۹۸ استقلال افغانستان را از چنگ استعمار بریتانیا بیرون کشید .
 اما او می دانست که استقلال سیاسی تنها نیمی از آزادی است .
 نیم دیگر آن، استقلال فکری است ، و این استقلال فکری تنها از راه مکتب و معارف به دست می آید.
 ملتی که استقلال دارد اما سواد ندارد، مانند پرنده ای است که قفس آهنین اش را با قفس زرین عوض کرده .
 هنوز در اسارت است، فقط اسارتش زیباتر به نظر می رسد .
 امان الله این حقیقت را با تمام وجود درک کرده بود و به همین دلیل، بلافاصله پس از استقلال، مکاتب، لیسه ها و مؤسسات تعلیمی را با شتاب و اشتیاق بنا نهاد.
 دختران افغان ، مشعل داران فردا
 یکی از جسورانه ترین و ماندگارترین اقدامات امان الله، گشودن درهای مکتب به روی دختران بود .
 در جامعه ای که سنت های کهنه، نیمی از جمعیت را در خانه محبوس کرده بود، او فریاد زد که ملتی که نیش را در جهل نگه دارد، هرگز به بلندای عظمت نخواهد رسید.
 بلکه ثریا ، همسر مبارز و روشنفکر او ، خود بیرق دار این راه شد .
 زنی که بی چادر در کنار شوهرش ایستاد و به جهانیان نشان داد که زن افغان می تواند هم سرافراز باشد و هم با وقار باشد، هم آزاد .
 این جسارت، هزینه سنگینی داشت، اما ارزشش را نیز داشت.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

ترقی، یک عشق سوزان
امان الله به ترقی وطن عشق می ورزید ، نه عشقی زبانی و شعاری، بلکه عشقی که در عمل می سوخت و می ساخت .
او جوانان افغان را برای تحصیل به اروپا فرستاد .
او روزنامه تأسیس کرد .
او قانون اساسی نوشت .
او راه آهن و تلگراف و شفاخانه بنا کرد.
هر سنگی که در آن دوره گذاشته شد، با دست عشق گذاشته شد ، عشق به افغانستانی که بتواند در کنار ملت های
پیشرفته جهان با سربلندی بایستد.
دشمنان روشنایی
اما چراغ همیشه پروانه های خیرخواه ندارد. گاهی آن هایی که از تاریکی نان می خورند، به خاموش کردن چراغ
می پردازند .
جهل، با ابزار تهییج عوام و فتوای دروغین، آن پادشاه روشن بین را از تخت به تبعید راند.
اما ایده ها را نمی توان تبعید کرد .
بذری که امان الله در خاک افغانستان کاشت، هرچند سال ها زیر خاک ماند، اما هرگز نمرد .
هر معلمی که در این سرزمین درس می دهد، هر کتابی که در این خاک خوانده می شود، هر دختری که به مکتب
می رود ، همه و همه فرزندان رویای امان الله هستند.
پیام او به ما
امروز، بیش از هر زمان دیگری، پیام امان الله خان باید در گوش هر افغان طنین بیندازد:
تفنگ، تخت و طلا می گذرند .
معارف می ماند.
ملتی که کتاب دارد، هرگز به زانو نمی افتد .
ملتی که می اندیشد، هرگز فریب نمی خورد. ملتی که دانش دارد، هرگز در زنجیر نمی ماند.
روح امان الله و ملکه ثریا در هر صنف درس زندگی می کند .
در هر قلمی که می نویسد .
در هر ذهنی که می جوشد .
او رفت، اما معارف ، آن بزرگ ترین عبادتش ، جاودانه ماند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد